



مدیریت سود؛ رفتارهای فرصت‌طلبانه، مکانیزم نظارتی و درماندگی مالی

محمد مرفوع^۱

سیدمصطفی حسن زاده دیوا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین رفتارهای فرصت‌طلبانه (جریان نقدی آزاد و نسبت سودآوری)، مکانیزم نظارت (نسبت اهرمی) و رفتارهای تحت فشار (درماندگی مالی) و مدیریت سود می‌باشد. بدین منظور اطلاعات ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون تلفیقی چند متغیره و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. مدیریت سود از طریق مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) و درماندگی مالی از مدل Z آلتمن (۱۹۸۳) اندازه‌گیری شده است. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین مدیریت سود و درماندگی مالی می‌باشد. همچنین بین نسبت بدهی (که متغیری برای اندازه‌گیری مکانیزم‌های نظارتی است) و مدیریت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد. از طرف دیگر بین هر دو پروکسی رفتارهای فرصت‌طلبانه (جریان نقد آزاد و نسبت سودآوری) و مدیریت سود رابطه معنادار یافت شد. نتایج این تحقیق می‌تواند به قانون‌گذاران در تدوین قوانین سخت‌گیرانه‌ای که به گسترش اعتماد عمومی نسبت به قابلیت اتکای گزارشگری مالی می‌انجامد، کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، رفتار فرصت‌طلبانه، مکانیزم نظارتی، درماندگی مالی، اقدام تعهدی اختیاری.

۱- گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. maefou@gmail.com

۲- گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

در اواخر دهه ۱۹۲۰ رایج شدن صورت‌حساب سود و زیان همراه با فشارهای قابل توجه از سوی افراد برون از حرفه حسابداری و نیز عدم رضایت دست‌اندرکاران حرفه‌ای و دانشگاهیان از روش جاری، تغییرات نهادی مهمی را در تفکر و نظریه حسابداری به وجود آورد. یکی از مهمترین این تغییرات، تأکید و توجه بیشتر به صورت سود و زیان که پیش‌تر معطوف به ترازنامه بود، سبب شده تا مقوله‌ای به نام «مدیریت سود»^۱ متولد و مطرح شود. مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای رساندن سود گزارش شده به سطح موردنظر تعریف شده است. عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف، از طریق دستکاری^۲ انجام می‌شود (ملانظری و کریمی زند، ۱۳۸۶، ص ۸۴).

سود از جمله برترین شاخص‌های اندازه‌گیری فعالیت یک واحد اقتصادی است. درک و شناخت رفتار سود حسابداری مقوله‌ای است که بر اثر گسترش فنون کمی مدیریت و ضرورت توجه به نیاز استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شکل گرفته است. این امر از محدوده اندازه‌گیری فعالیت‌های گذشته فراتر رفته و حسابداری را برای یاری رساندن به تصمیم‌گیرندگان توانا تر ساخته است. با وجود این که نظریه فراگیری در زمینه سود حسابداری وجود ندارد که مورد توافق همگان باشد، باز هم به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا هر جریانی که سود را به طریقی دست‌خوش تغییر کند نیز اهمیت می‌یابد؛ زیرا پیامدهای اقتصادی بر آن مترتب می‌شود و این مسئله، به ویژه ممکن است در بازارهای با کارایی ضعیف سرمایه از درجه اهمیت بیشتری برخوردار باشد. رسوایی اخیر در انرون^۳ و ورلدکام^۴ و جاهای دیگر یک احساس عمومی ایجاد کرد که مدیریت سود به کار رفته توسط مدیران شرکت‌ها به سمت مدیریت سود فرصت‌طلبانه، گرایش بیشتری دارد تا منفعت شخصی مورد انتظار مدیران تأمین شود و این مدیران اهمیت کمی به منافع سهامداران قائل شده‌اند. عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح هدف از طریق دستکاری انجام می‌شود. مدیران به دلایل و انگیزه‌های گوناگون از قبیل پاداش، بدهی و هزینه‌های سیاسی و غیره دست به مدیریت سود و یا در مواردی هموارسازی سود^۵ می‌زنند. حال اگر این مدیریت سود در جهت افزایش ارزش شرکت باشد به نوعی می‌توان گفت لاقلاً از نظر سهامداران مورد قبول است، اما در بعضی مواقع مدیران به صورت فرصت‌طلبانه از این راهکار استفاده کرده و مطلوبیت خود را بیشینه می‌کنند (سیلویا و رونیکا، سیدهارتا یودم، ۲۰۰۸).

هلی و والن^۳ (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارش‌گری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سهام (ذینفعان) در

خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می‌گیرد، یا به منظور تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی است. مدیران از اطلاعات مرتبط با سود به منظور انتقال اطلاعات مفید و گاهاً محرمانه عملکرد شرکت به سهامداران و طلبکاران شرکت، استفاده کنند. اگر هدف این امر باشد، مدیریت سود، ممکن است که برای سهامداران و عموم، ضرری نداشته باشد. با این وجود، رسوایی‌های مالی در شرکت‌های ورلداکام و انرون^۴، دیدگاهی که نسبت به مدیریت سود وجود داشته را به سمت دیدگاهی فرصت‌طلبانه، تغییر داده است. بر اساس این دیدگاه، مدیران به جای در نظر گرفتن منافع سهامداران، سود را در جهت منافع شخصی خودشان، مدیریت می‌کنند (واتز و زیمرمن^۵، ۱۹۸۶).

از طرفی هم فشارهای ناشی از درماندگی مالی نیز، اثرات نامطلوب بر یک اقتصاد داشته که در آن، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، با زیان مالی قابل توجهی، مواجه می‌شوند. اگر شرکتی در وضعیت درماندگی مالی باشد، مدیران پیش‌بینی می‌نمایند که پاداششان قطع شود، عوض شوند و یا این که موقعیت شغلی و شهرتشان آسیب ببیند (لیبرتی^۶ و زیمرمن، ۱۹۸۶ و گیلسون^۷، ۱۹۸۹)؛ بنابراین، در مدیریت محافظه‌کارانه، مدیران به وسیله انتخاب روش‌های حسابداری که افزایش در آمد هستند، زوال عملکرد شرکت را پنهان می‌نمایند. این روش‌ها مدیران را قادر به پنهان نمودن زیان می‌نماید (حبیب و همکاران^۸، ۲۰۱۳).

رانسر^۹ (۲۰۰۳) بیان می‌کند شرکت‌هایی که ورشکست گردیده‌اند، اما در آینده انتظار می‌رود که وضعیت بهتری داشته باشند، در راه کارهای دستکاری افزایش مدیریت سود، درگیر می‌شوند. لذا مدیران ممکن است در کوتاه‌مدت به دنبال رویه‌هایی باشند که در بلندمدت برای سهامداران بهینه نباشد. در غیاب قراردادهای بهینه، مدیران می‌توانند از مزایای اطلاعاتی خود استفاده کنند و درگیر رفتارهای کوتاه‌بینانه و فرصت‌طلبانه شوند. به‌طور کلی، چنین رفتارهایی ممکن است به دو شکل باشد: تصمیم‌های سرمایه‌گذاری که هدف آن‌ها ارزش‌گذاری‌های بالای موقتی یا درگیر شدن در مدیریت سود برای حفظ قیمت متورم سهام است. باین‌حال، این اعمال و رویه‌ها، غیرقابل تحمل است و سرانجام، زمانی که اصول واقعی آشکار شود، به درماندگی مالی منجر خواهد شد (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین مدیران می‌توانند برای حمایت از تظاهر به فرصت‌های رشد قوی، اطلاعات مالی را دست‌کاری کنند و درگیر عمل شناخته‌شده مدیریت سود شوند. کوتاری و همکاران (۲۰۰۹) استدلال نمودند که مدیران به دلایل مالی انگیزه‌هایی برای نگهداری اطلاعات منفی، از جمله نگرانی در مورد شغل و پاداش، از بازار دارند (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹). به‌طور مشابه، بال (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که دلایل غیرمالی همچون انگیزه حکمرانی و نگهداری عزت‌نفس، نیز ممکن است مدیران را به انگیزه ممانعت از انتشار اخبار بد سوق دهد (بال، ۲۰۰۱).

لذا می‌توان دریافت که شرکت‌های که دچار درماندگی مالی هستند به احتمال زیاد بیشتر به دنبال رویه‌های حسابداری هستند که سود شرکت را افزایش دهند؛ اما وجود یک مکانیزم نظارتی از درگیر شدن در فعالیت‌های مدیریت سود، جلوگیری خواهد کرد؛ بنابراین، بررسی ارتباط بین رفتارهای فرصت‌طلبانه، مکانیزم نظارتی (اهرم) و رفتارهای تحت فشار (درماندگی مالی) در ارتباط با مدیریت سود، می‌تواند موضوع قابل تأملی باشد که این تحقیق سعی در بررسی آن را دارد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مدیریت سود

فرضیه مدیریت سود، در ابتدا با عنوان هموارسازی سود توسط هیپورث^{۱۰} (۱۹۵۳) ارائه و بعداً توسط گوردن^{۱۱} (۱۹۶۴) معرفی شد. برای اولین بار توسط مکنیچلسون^{۱۲} (۱۹۸۸) عبارت "مدیریت سود" جایگزین عبارت "هموارسازی سود" شد. از این جهت، مدیریت سود در کانون توجه قرار گرفت؛ بر این اساس که می‌تواند در تهیه خلاصه‌ای از عملکرد شرکت اعمال نفوذ کند و نتایج مورد نظر خود را منعکس کند. (بلکویی، ۲۰۰۰)

تعریف مشخص و شفافی از مدیریت سود وجود ندارد. مطالعات گذشته تعاریف مختلفی از مدیریت سود ارائه داده‌اند؛ فرن^{۱۳} و همکاران (۱۹۹۴) مدیریت سود را به عنوان دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به قسمتی از پیش‌داوری‌های مربوط به سود تعریف می‌کند. شیپر^{۱۴} (۱۹۸۹) مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد تحصیل سود تعریف نمود. اسکات^{۱۵} (۲۰۰۹) مدیریت سود را بدین صورت تعریف می‌نماید: مدیریت سود عبارت است از انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر تا این که به واسطه این انتخاب، به اهداف خاصی نایل آید. رونویاری^{۱۶} (۲۰۰۸) مدیریت سود را مجموعه‌ای از تصمیمات مدیریتی قلمداد می‌کنند که به منظور حداکثر کردن ارزش سود، برخی از حقایق کوتاه‌مدتی که برای مدیریت شناخته شده‌اند را گزارش نمی‌کند.

تعاریف ارائه شده از مدیریت سود بر این موضوع که نیت مدیریت لازمه مدیریت سود است اتفاق نظر دارند، با این حال این که این نیت ماهیتی فرصت‌طلبانه دارد یا خیر، کاملاً روشن نیست.

۲-۲- رفتارهای فرصت‌طلبانه

رفتارهای فرصت‌طلبانه، با عنوان دستکاری نتایج عملیات به صورت فرصت‌طلبانه می‌باشد تا بیشترین منافع را برای خودش کسب کند (ورونیکاوهارتایودم، ۲۰۰۸). مدیران فرصت‌طلب، ممکن است که اعداد حسابداری را به منظور پوشش عملکرد منفی، مدیریت نمایند و آن را طوری گزارش

نمایند که شرکت، عملکرد بالایی داشته باشد. در این تحقیق، رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، در قالب واژه‌های وجوه نقد آزاد و سودآوری شرکت، مورد بحث قرار می‌گیرد. جریان نقدی آزاد بالا، ممکن است فرصتی برای مدیران به منظور مدیریت سود و خلق مسئله نمایندگی، فراهم نماید. جریان نقدی آزاد، مازاد جریان نقدی است که به منظور تأمین مالی هر پروژه‌ای که ارزش فعلی مثبتی داشته باشد، به راحتی در دسترس است (جنسن^{۱۷}، ۱۹۸۶). مسئله نمایندگی زمانی اتفاق می‌افتد که جریان نقدی آزاد در یک شرکت، به شیوه نادرستی سرمایه‌گذاری یا هزینه گردد، به صورتی که در آن، مدیران حداکثرسازی ثروت سهامداران را نادیده بگیرند (جنسن، ۱۹۸۶). به بیان دیگر، مدیران این اختیار را دارند که در پروژه سودده یا پروژه‌ای با بازده پایین، سرمایه‌گذاری نمایند. اگر مدیران، تصمیم به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ای غیرسودده یا با بازده پایین، بگیرند، شرکت در موقعیتی قرار می‌گیرد که رشد آن، پایین می‌آید. تحقیقات گذشته از جمله (راس^{۱۸}، ۱۹۷۵؛ جنسن، ۱۹۸۶ و گال^{۱۹}، ۲۰۰۷). نشان دادند زمانی که مازاد وجه نقد در سطح بالایی باشد، مدیران منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند.

۲-۳- مدیریت سود و رفتارهای فرصت طلبانه

به طور معمول، در شرکت‌های با وجوه نقد آزاد، مدیریت سودی بیشتری واقع می‌شود که می‌تواند با اقلام تعهدی اختیاری مرتبط باشد. از نظر وی جریان نقدی آزاد واحد تجاری، باقیمانده جریان‌های نقدی پس از کسر وجوه لازم برای پروژه‌هایی است که خالص ارزش فعلی آن‌ها مثبت ارزیابی می‌شود. این پروژه‌ها، طرح‌های سرمایه‌گذاری بلندمدتی هستند که ارزش فعلی جریان‌های نقدی ورودی مورد انتظار بیش از ارزش فعلی جریان‌های نقدی خروجی است (جنسن، ۱۹۸۶). مفهوم جریان نقدی آزاد مثبت نشان می‌دهد که واحد تجاری پس از پرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، دارای وجوه نقد مازاد است. باکیت و اسکندر^{۲۰} (۲۰۰۹) در راستای تأیید این موضوع بیان نمودند که مازاد وجوه نقد آزاد، ممکن است انگیزه‌ای در مدیران به منظور اعمال مدیریت فزاینده سود و علامت‌دهی انعطاف‌پذیری مالی، ایجاد نماید. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که جریان نقد آزاد در آن‌ها بالا می‌باشد و فرصت‌های رشد کمی دارند، درگیر مسائل نمایندگی می‌گردند و مدیران در آن شرکت‌ها، مایل به استفاده از ابزارهای فزاینده درآمد به منظور افزایش سود گزارش شده هستند. استالز^{۲۱} (۱۹۹۰)، بیان کرد که کمبود جریان نقد آزاد، چرایی تمایل شرکت‌ها به انتشار بدهی به عنوان ابزار تأمین مالی خارجی را نشان می‌دهد. از مدیران انتظار می‌رود که با داشتن این جریان نقدی آزاد، به جای هدر دادن آن، در پروژه‌های سودآور، سرمایه‌گذاری کنند. وجود نظارت مؤثر، کارا و نظام‌مندی به‌وسیله سهامداران نهادی، اعتباردهندگان، اعضای هیأت

مدیره و کمیته حسابرسی، می‌تواند مدیران شرکت‌هایی که دارای وجه نقد آزاد و فرصت‌های سودآور کمی هستند را در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیان‌آور، محدود نماید. اغلب اوقات، مدیران به منظور بهبود انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد آتی شرکت و افزایش قیمت پیشنهادی، سود گزارش شده را متورم می‌نمایند (رحمان و عبدالله^{۲۲}، ۲۰۰۵). علاوه بر آن، مدیران شرکت‌هایی که با کاهش در سودآوری خود مواجه هستند، دارای انگیزه‌ای برای هموارسازی سود هستند. (وایت^{۲۳}، ۱۹۷۰). همچنین، نوسانات شدید درآمد و کاهش سودآوری در یک شرکت، یکی از عوامل انگیزشی قوی است که مدیران را درگیر هموارسازی سود شرکت می‌نماید (آشاری^{۲۴} و همکاران، ۱۹۹۴). بنا بر تحقیق دنیس و مایکل^{۲۵} (۱۹۹۶)، اهداف مدیریت سود به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: کاهش هزینه‌های سیاسی، هزینه تأمین مالی و حداکثرسازی ثروت و منافع مدیریت؛ بنابراین، مدیریت سود اعمال شده به‌وسیله مدیران، باید حداقل یکی از آن اهداف را برطرف نماید؛ بنابراین با توجه به موارد مطرح شده در مورد ارتباط بین مدیریت سود و رفتارهای فرصت‌طلبانه، می‌توان فرضیه‌هایی به شرح زیر مطرح کرد:

بین مدیریت سود و رفتارهای فرصت‌طلبانه رابطه وجود دارد.

۲-۴- مکانیزم نظارتی

مکانیزم‌های نظارتی می‌تواند به دو بخش مکانیزم درون‌سازمانی و مکانیزم برون‌سازمانی، تقسیم می‌شود. مکانیزم درون‌سازمانی شامل بخش‌هایی در درون سازمان از قبیل اعضای هیأت مدیره و کمیته حسابرسی داخلی، می‌باشد. مکانیزم‌های درون‌سازمانی نیز، از مؤثر بودن کنترل داخلی به منظور کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و مدیریت سود، اطمینان می‌دهد. بر طبق تحقیق ون دِ پِل و وانسترالن^{۲۶} (۲۰۰۷)، شرکت‌های هلندی که دارای کنترل داخلی مؤثر و کارایی هستند، سطوح پایینی‌تری از اقلام تعهدی غیر نرمال را دارا می‌باشند. در طرف مقابل، نظارت برون‌سازمانی، (مانند نظارت قرض‌دهندگان و نظارت نهادی) قسمتی از مکانیزم نظارت است که از بیرون شرکت به عمل می‌آید.

اهرم مالی، به مقدار بدهی استفاده شده به منظور تأمین مالی دارایی و فعالیت تجاری یک شرکت، به طریقی غیر از سرمایه، اشاره می‌نماید. اهرم مالی می‌تواند به عنوان یک مکانیزم کنترلی کارا، جهت جلوگیری از اعمال بیش از حد مدیریت سود که به شرکت صدماتی وارد می‌نماید، مورد استفاده قرار گیرد. بر طبق تحقیق آندراد و کاپلان^{۲۷} (۱۹۹۸)، شرکت‌های با اهرم مالی بالا، با ریسک‌های مالی بالاتری از قبیل درماندگی مالی، ریسک عدم پرداخت و ریسک ورشکستگی، مواجه هستند. علاوه بر آن، جنسن (۱۹۹۱)، بیان می‌کند که انتشار قانون جدید و بحران رکود

اقتصادی، تأثیر معناداری بر شرکت‌های با اهرمی مالی بالا، داشته‌اند و این شرکت‌ها را با وضعیت بدتری، روبرو کرده‌اند. در صورتی که ارزش بدهی، بیش‌تر از ارزش بهینه بدهی باشد، ممکن است که شرکت‌ها، داشتن مقدار بالایی از اهرم مالی را در نظر بگیرند؛ بنابراین، هرچه مقدار بدهی بیش‌تر باشد، ریسک، بالاتر خواهد بود و در نتیجه، نرخ بهره فزونی خواهد یافت (شوبیتا و آسالها^{۲۸}، ۲۰۱۲).

توانایی مدیریت در استفاده از دارایی یک شرکت به منظور کسب منافع شخصی و بهره‌برداری از دارایی شرکت، می‌تواند با وجود قرض‌دهندگان خارجی، محدود شود (بیلیموریا^{۲۹}، ۱۹۹۷)؛ اما به دلیل آن‌که قرض‌دهندگان از توانایی شرکت‌ها در بازپرداخت بدهی‌های خود، نگران هستند، همیشه از سوی مدیریت شرکت از وجوه نقد حاصل در پروژه‌های سودده اطمینان حاصل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، به منظور اطمینان از این‌که شرکت بدهی خود را پرداخت می‌کند، فعالیت‌های نظارتی توسط قرض‌دهندگان به عمل می‌آید. از آنجا که فعالیت‌های مدیریت، مهم‌ترین فاکتور تعیین‌کننده توانایی بازپرداخت‌های بدهی می‌باشد لذا همیشه قرض‌دهندگان بر فعالیت‌های مدیر، نظارت می‌نمایند (لنگ^{۳۰}، ۲۰۰۸). در تحقیقات گذشته، این نتیجه به دست آمده که در شرکت‌های با اهرم مالی بالا، حقوق کمتری در بلندمدت به مدیرعامل، اعطا می‌شود. این امر، بدان معناست که در صورت وجود نظارت توسط قرض‌دهندگان، هیچ امکانی برای مدیریت به منظور هدر دادن وجه نقد شرکت، وجود ندارد. بر طبق تحقیق نیبلر^{۳۱} (۱۹۹۵)، نظارت به‌عمل آمده از جانب قرض‌دهندگان به سودآوری و رشد شرکت، کمک می‌نماید. در حالی که کرینکو و السون^{۳۲} (۱۹۹۶)، در تحقیقات خود به رابطه غیرمعناداری بین نظارت قرض‌دهندگان و سود شرکت، دست یافتند.

تحقیقات پیشین، شواهدی فراهم آورده است که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که با ریسک عدم پرداخت مواجه هستند، نسبت به سایر شرکت‌ها، تمایل بیش‌تری به تغییرات حسابداری دارند. به صورت مشابه، تحقیقاتی که به‌وسیله سوئینی^{۳۳} (۱۹۹۴)، دیچو و اسکینر^{۳۴} (۲۰۰۲) و بیتی و وبر^{۳۵} (۲۰۰۳)، انجام شده، نشان می‌دهد که مدیران به منظور اجتناب از تخطی از مفاد قراردادهای بدهی، روش‌هایی را در حسابداری انتخاب می‌نمایند که به نوعی، افزایش درآمدها می‌باشد. این موضوع که اهرم مالی، یکی از متغیرهای توضیحی قدرتمند در انتخاب‌های روش‌های حسابداری می‌باشد به‌وسیله تحقیقی که توسط کریستی^{۳۶} (۱۹۹۴) انجام شده، اثبات گردیده است. در طرف مقابل، اگر شرکتی که دارای اهرم مالی بالایی باشد و اقدام به اخذ بدهی جدیدی نماید، اعتباردهندگان، تقاضای معیارهای اندازه‌گیری متعددی را می‌نمایند و به موشکافی آن‌ها می‌پردازند، این امر فشار زیادی را به مدیریت وارد می‌آورد که در نتیجه آن، به مدیریت سود منجر می‌گردد (زاگرز - مامدوا^{۳۷}، ۲۰۰۹). از آن‌جا که دستکاری راه‌کارهای حسابداری، به سختی قابل

اندازه‌گیری است، لذا اگر به مدیریت اجازه داده شود تا از برآوردها و روش‌های حسابداری مجاز، به انتخاب خود، استفاده نماید، احتمالاً از این فرصت، در جهت مدیریت سود، استفاده خواهد کرد. (دیچو و اسکینر، ۲۰۰۲).

۲-۵- مکانیزم نظارتی و مدیریت سود

نظرات متفاوتی در مورد تأثیرگذاری اهرم مالی بر توان بالقوه مدیران جهت اعمال مدیریت سود، وجود دارد. تحقیقی از امان و همکاران^{۳۸} (۲۰۰۶)، نشان می‌دهد که برای دوره بعد از بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷، اهرم مالی تأثیری بر مدیریت سود نداشته است. دلیل این امر آن است که بخش شرکتی در مالزی، وابستگی زیادی به بانک‌های تجاری به منظور تأمین نقدینگی خارجی داشته‌اند؛ بنابراین، مشکلات مالی که شرکت‌ها با آن مواجه بودند، مدیران را مجبور به بهبود عملکرد شرکت از طریق مدیریت سود، نمود. از طرفی، تعدادی از تحقیقات، مدعی شده‌اند که بدهی، ممکن است از طریق مکانیزم نظارتی، مدیریت سود را محدود نماید. داشتن بدهی، مدیران را در بازپرداخت آن به منظور جلوگیری از تخطی از مفاد قرارداد بدهی و همچنین، تعقیب شدن قانونی به وسیله قرض‌دهندگان، نظام‌مند می‌نماید (استالز، ۱۹۹۰). به صورت مشابه، تحقیقی که توسط بالسام، بارتو و مارکوارت^{۳۹} (۲۰۰۲) و سیرگار و اوتاما^{۴۰} (۲۰۰۸)، انجام گردید نشان داد که قرض‌دهندگان، دسترسی بیشتر به اطلاعات مربوط و به موقع دارند که این امر آن‌ها را قادر به شناسایی مدیریت سود انجام شده به وسیله مدیرانی که پایبند اخلاق نیستند، می‌نماید؛ بنابراین، با توجه به موارد مطرح شده در مورد رابطه بین مدیریت سود و مکانیزم نظارتی، فرضیه‌ای به شرح زیر مطرح می‌شود:

بین مکانیزم نظارتی و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

۲-۶- درماندگی مالی

از نقطه نظر اقتصادی، درماندگی مالی را می‌توان به زیان ده بودن شرکت تعبیر کرد که در این حالت شرکت دچار عدم موفقیت شده است. به بیان دیگر، نرخ بازدهی سرمایه کمتر از نرخ هزینه‌ی سرمایه است. حالت دیگر زمانی رخ می‌دهد که شرکت موفق به رعایت یک یا تعدادی از بندهای مربوط به قراردادهای بدهی، مانند نگه داشتن نسبت جاری یا نسبت ارزش ویژه به کل دارایی‌ها طبق قرارداد نمی‌شود. حالت دیگر درماندگی مالی نیز زمانی است که ارزش ویژه‌ی شرکت عددی منفی شود (راعی و فلاح پور، ۱۳۸۷). در ادبیات مالی نیز تعاریف مختلفی از درماندگی مالی دیده می‌شود. گوردون (۱۹۷۱) در یکی از مطالعات خود بر روی نظریه‌ی درماندگی، آن را به عنوان

کاهش قدرت سودآوری شرکت تعریف کرده است که احتمال عدم توانایی پرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می‌دهد (سعیدی و آقایی، ۱۳۸۷).

شناسایی منابع درماندگی مالی، از طریق تحقیقات تجربی، میسر است. کارلز و پلاکاش^{۴۱} (۱۹۸۷)، تمامی دلایل بالقوه درماندگی مالی را به دو بخش فاکتورهای ریسک درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم‌بندی کرده‌اند که مدیریت ضعیف می‌تواند در گروه فاکتورهای ریسک درون-سازمانی قرار بگیرد. شکل‌های احتمالی مدیریت ضعیف می‌تواند شامل: فقدان نیاز به تغییر، ارتباطات نامناسب، افراط در توسعه، اداره ناکارای پروژه‌ها یا تقلب باشد که در گروه فاکتورهای درون‌سازمانی، طبقه‌بندی می‌شود. درحالی‌که فاکتورهای برون‌سازمانی، مستقل از مهارت‌های مدیریت است و می‌تواند به ناکارایی در توسعه قانون‌گذاری، بروز مشکل در بازار نیروی کار یا حوادث طبیعی، طبقه‌بندی گردد.

اغلب شرکت‌هایی که در وضعیت سالمی نیستند به دلیل رکود که یکی از نتایج رایج بحران مالی است، دچار درماندگی مالی می‌شوند (جان و جان^{۴۲}، ۱۹۹۲). از سوی دیگر، با وجود رکود، شرکت‌های خاصی به دلیل افزایش رقابت خارجی در معرض زوال قرار گرفته‌اند. از نظر آسکوئیس، جرتتر و اسکارفستین^{۴۳} (۱۹۹۴)، عملکرد ضعیف یک شرکت به عنوان معنادارترین دلیل درماندگی مالی، شناخته شده است. از نظر آن‌ها عملکرد ضعیف صنعت و اهرم مالی بالا دلایل دیگر درماندگی شرکت‌ها هستند.

آندراد و کاپلان (۱۹۹۸)، نیز مانند آسکوئیس و همکاران (۱۹۹۴) در تحقیق خود به نتایجی مشابه با آنان رسیده‌اند. در تحقیقات آنها، اهرم مالی بالا به دلیل آن که نیازمند وجه نقد به منظور پوشش پرداخت‌های مرتبط است، باعث کمبود نقدینگی در شرکت می‌شود. لذا از نظر آن‌ها، اهرم مالی بالا، دلیل رایج درماندگی مالی شرکت‌ها شناخته شده است. به علاوه، اوپلر و تیمان^{۴۴} (۱۹۹۲)، نشان داده‌اند که درماندگی مالی در شرکت‌های با اهرم مالی بالا، ریشه‌هایی در صنعتی با رکود اقتصادی دارد و شرکت‌ها تمایل بیش‌تری به درگیر شدن در فعالیت‌های مصون‌سازی نشان داده‌اند.

۲-۷- درماندگی مالی و مدیریت سود

انتخاب ارقام تعهدی افزایش‌دهنده یا کاهش‌دهنده درآمد، بستگی به شدت درماندگی مالی دارد (جاگی و لی^{۴۵}، ۲۰۰۲). اگر انتظار رود درماندگی مالی موقتی باشد، احتمال به‌کارگیری ارقام تعهدی افزایش‌دهنده درآمد به‌وسیله مدیریت، بیش‌تر است و بالعکس؛ اما مدیران شرکت‌هایی که در ورطه ورشکستگی هستند، به دلیل اعتقاد بر این موضوع که در سال‌های پیش، از تمامی ارقام تعهدی افزایش‌دهنده سود،

استفاده گردیده، بیشتر مایلند که از ارقام تعهدی کاهنده درآمد به منظور مدیریت سود استفاده کنند و این موضوع آنان را مجبور می‌کند که از مدیریت سود به سمت پایین استفاده کنند؛ بنابراین، آن‌ها مجبور به استفاده از مدیریت سود به سمت پایین می‌گردند.

به عبارت دیگر مدیران شرکت‌ها در شرکت‌های درمانده به دنبال دادن اخبار خوب به بازار هستند تا از کاهش ارزش شرکت جلوگیری کنند (بامبر و همکاران، ۲۰۱۰)؛ بنابراین با وجود درماندگی مالی، دستکاری اطلاعات صورت‌های مالی با وجود تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی، فراهم می‌گردد. لذا مدیران برای رسیدن به سود مورد نظر از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود در پایان سال استفاده می‌نمایند و در صورتی که سود مورد نظر برای دستکاری از ارقام تعهدی اختیاری بیشتر باشد، مدیریت ممکن از ارقام واقعی و دستکاری عملیات واقعی به سود مورد نظر خود دست یابد (ولی پور و همکاران، ۱۳۹۲). لذا با توجه به رابطه مطرح شده بین درماندگی مالی و مدیریت سود، فرضیه‌ای به شرح زیر مطرح می‌گردد:

بین درماندگی مالی و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

۳- پیشینه تحقیق

- ابراهیمی کردلر و همکاران (۱۳۸۵) به بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق مدل تعدیل‌شده جونز در مورد ۳۰ شرکت عرضه‌کننده اولیه سهام به عموم در طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مدیران، سود شرکت‌ها را در سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم مدیریت می‌کنند. همچنین تأثیر مدیریت سود بر عملکرد بلندمدت قیمت سهام شرکت عرضه‌کننده اولیه سهام به عموم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین ارقام تعهدی جاری اختیاری سال اول شرکت‌ها و عملکرد بلندمدت قیمت سهام در سه سال آتی رابطه مثبت وجود دارد.
- مشایخی و صفری (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" رابطه بین وجه نقد ناشی از عملیات شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و رفتار ارقام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه حاکی از مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد و همچنین هنگامی که فعالیت‌های عملیاتی ضعیف است، شرکت‌ها تمایل دارند که استراتژی‌های افزایش سود را در پیش بگیرند. ولی در مورد شرکت‌های با فعالیت

عملیاتی خوب در کل کاهش ارقام تعهدی مشاهده می‌شود ولی با بررسی پرتفوها مشاهده می‌شود که تعداد قابل توجهی از شرکت‌های با فعالیت خوب نیز تمایل به سیاست‌های افزایشی سود خود نشان می‌دهند. بعضی از شرکت‌های با فعالیت‌های عملیاتی بسیار عالی نیز تمایل به سیاست‌های کاهش سود دارد.

- نورو و حسینی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه کیفیت افشای شرکتی (شامل به موقع بودن و قابلیت اتکا) و مدیریت سود پرداختند. بدین منظور ۵۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ بررسی شده است. در این تحقیق برای اندازه‌گیری کیفیت افشا از دو معیار به موقع بودن و قابلیت اتکا استفاده گردیده و مدیریت سود شرکت‌ها با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز برآورد گردیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی معنی‌دار بین به موقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود می‌باشد.
- خدادادی و جان جانی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند شرکت‌هایی که مدیریت سود داشته‌اند نسبت به شرکت‌هایی که مدیریت سود انجام نداده‌اند، در سطح سود عملیاتی و سود خالص عملکرد ضعیفتر، در سطح سود قبل از مالیات و سطح سود خالص رشد بیشتر، در سطح سود خالص اندازه بزرگتر و سرانجام در سطح سود هر سهم نرخ سود تقسیمی بالاتری داشته‌اند. همچنین شرکت‌هایی که مدیریت سود داشته‌اند، دارای رشد بیشتر و بازده کمتری بوده‌اند.
- بنی مهد و عرب عامری (۱۳۹۱) در پژوهشی رابطه میان شاخص مدیریت سود و بدهی را در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۹ مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مدیریت سود و اندازه شرکت با نسبت بدهی شرکت‌ها رابطه‌ای ندارد.
- نیکومرام و هادیان (۱۳۹۲) در پژوهشی به تبیین جایگاه بدهی و تنوع‌سازی شرکتی در مدیریت سود پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در شرکت‌های مادر پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هیچ رابطه‌ای بین بدهی و مدیریت سود، بین تنوع‌سازی شرکتی و مدیریت سود و همچنین بین بدهی شرکت‌های متنوع‌سازی‌شده و مدیریت سود وجود ندارد.
- فرقان‌دوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار

دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در شرکت‌های با سابقه مدیریت سود، احتمال ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد.

- مشایخی و حسین پور (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورسی ایرانی پرداخته‌اند. بدین منظور از اطلاعات ۱۰۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار که مشکوک به تقلب می‌باشند، در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۷، استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های بورسی مشکوک به تقلب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.
- قربانی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی اثر معناداری بر مدیریت سود دارد. بدین ترتیب که افزایش افشای اطلاعات مالی منجر به کاهش مدیریت سود شده است در حالی که با افزایش افشای اطلاعات استراتژیک و غیرمالی مدیریت سود نیز افزایش یافته است.
- اسمیت و همکاران (۲۰۰۱) با بررسی شرکت‌های استرالیایی، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بحران‌زده مالی غیر ورشکسته، روش‌های حسابداری خود را به منظور افزایش درآمد تغییر داده‌اند. علاوه بر این نشان دادند که شرکت‌های ورشکسته اقلام تعهدی را به منظور متورم ساختن درآمد در سال قبل از ورشکستگی تغییر نداده‌اند.
- چانگ و دیگران (۲۰۰۵) مسئله مدیریت سود را در شرکت‌هایی بررسی کردند که با مشکلات ناشی از جریان‌های نقد آزاد بالا مواجه بودند. آنها دریافتند که در این‌گونه شرکت‌ها مدیران، سود را از طریق اقلام تعهدی اختیاری کاهنده‌ی سود، مدیریت می‌نمایند تا به وسیله‌ی هموارسازی سود، عملکرد سنوات آتی را بهبود بخشند. بدین ترتیب اثرهای منفی حاصل از سرمایه‌گذاری نامناسب خود را پنهان سازند.
- گارسیا لارا و همکاران (۲۰۰۹) با مقایسه شرکت‌های ورشکسته و غیر ورشکسته انگلیسی نتیجه گرفتند که شرکت‌های ورشکسته در چهار سال قبل از ورشکستگی، سودهای خود را به شکل افزایشی مدیریت می‌کنند.
- آینی و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "جریان‌های نقد آزاد مازاد، مدیریت سود و کمیته حسابرسی" به این پرداختند که چقدر جریان نقدی آزاد مازاد به مدیریت سود مربوط است. در این مطالعه، فرض بر این است که مدیران شرکت‌هایی که از جریان نقدی آزاد بالایی برخوردارند شدت عمل خوبی در اداره مدیریت سود دارند. هرچند کمیته‌ی حسابرسی از

استقلال بیشتری برخوردار باشد مدیریت سود به‌طور مکرر اتفاق نمی‌افتد. کمیته‌ی حسابرسی مستقل یک نظارت مؤثر بر رویه‌های مدیریت سود فراهم می‌کند. این بررسی انتظار دارد که رابطه مثبتی بین جریان نقدی آزاد و مدیریت سود که به‌وسیله کمیته‌ی حسابرسی مستقل تعدیل شده است بدست آورد. این بررسی شواهد تجربی مطابق با پیش‌بینی همه فرضیه‌ها بدست می‌آورد. این بررسی نشان می‌دهد که کمیته‌ی حسابرسی مستقل به شرکت‌هایی که دارای جریان نقدی آزاد هستند کمک می‌کند درآمد عملیات مدیریت سود رو به افزایش را کاهش بدهند.

- رینا و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "جریان‌های نقد آزاد مازاد، مدیریت سود و کمیته حسابرسی" به این پرداختند که چقدر جریان نقد آزاد مازاد به مدیریت سود مربوط است. در این مطالعه فرض بر این است که مدیران شرکت‌هایی که از جریان‌های نقدی آزاد بالایی برخوردارند شدت عمل خوبی در اداره مدیریت سود دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی مستقل به شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد، کمک می‌کند تا بر رویه‌های مدیریت سود نظارت داشته باشد.
- جاجی و لی (۲۰۱۱) در تحقیقی بر روی شرکت‌های کانادایی یافتند که درماندگی مالی و خطر ورشکستگی را می‌توان با استفاده از متغیرهای مبتنی بر ارقام تعهدی به شیوه‌ای مطلوب پیش‌بینی نمود.
- سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر می‌گذارد. او به این نتیجه رسید که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی به طور مستقیم تأثیرگذار است و هر چه دستکاری‌های فعالیت‌های واقعی بیشتر شود، باعث تأثیر بیشتر بر مدیریت سود تعهدی در پایان دوره می‌شود.
- فرانچ شتی و کوچیتال (۲۰۱۳) با بررسی یک نمونه ۳۰ تایی از شرکت‌های ورشکسته و ۳۰ تایی از شرکت‌های غیر ورشکسته به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ورشکسته میزان درآمدهای خود را قبل از ورشکستگی به طور قابل ملاحظه‌ای دستکاری می‌نمایند.
- ناکاشیما و زیبارت (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قانون ساربینز آکسلی در ژاپن تأثیری بر مدیریت سود و کیفیت سود داشته است. پژوهشگران مذکور به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت‌های نمونه در قبل و بعد از قانون ساربینز آکسلی قابل ملاحظه بود، ولی مدیریت سود واقعی برای شرکت‌های نمونه برای بعد از قانون ساربینز آکسلی کاهش یافته است.

- نخیلی و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیقی تحت عنوان "جریان نقد آزاد و مدیریت سود: نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی" به بررسی اثر تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی و برنامه مدیریت در کاهش دادن مدیریت سود اعمال شده در یک موقعیت جریان نقد آزاد در کشور فرانسه از سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نظیر استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مستقل با حضور سرمایه‌گذاری نهادی و مالکیت مدیریتی میزان مدیریت سود را کاهش می‌دهد.
- آستامی و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی تحت عنوان "نقش کیفیت حسابرسی و تأثیر فرهنگ بر مدیریت سود در شرکت‌ها با جریان‌های نقدی آزاد مازاد: شواهدی از منطقه آسیا و اقیانوس آرام" به بررسی تأثیر جنبه‌های فرهنگی، نقش نظارت خارجی توسط حساب‌رسان با کیفیت بالا و مدیریت سود در شرکت‌هایی با جریان نقد آزاد مازاد در ۹ کشور منطقه آسیا و اقیانوس آرام پرداختند. نتایج تجربی ارائه شده در این پژوهش، تأییدی برای این پیشنهاد است که مدیران شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد مازاد، تصمیمات سرمایه‌گذاری اتخاذ خواهند کرد که همیشه به بهترین نحو به نفع سهامداران نیست و از اختیارات حسابداری برای افزایش سود گزارش شده استفاده می‌کنند.

۴- فرضیه‌ها

- فرضیه اصلی اول:** ارتباط معناداری بین رفتارهای فرصت‌طلبانه و مدیریت سود، وجود دارد.
- فرضیه فرعی اول:** ارتباط معناداری بین جریان نقدی آزاد و مدیریت سود، وجود دارد.
- فرضیه فرعی دوم:** ارتباط معناداری بین نسبت سودآوری و مدیریت سود، وجود دارد.
- فرضیه اصلی دوم:** ارتباط معناداری بین مکانیزم‌های نظارتی (اهرم مالی) و مدیریت سود، وجود دارد.
- فرضیه اصلی سوم:** ارتباط معناداری بین درماندگی مالی و مدیریت سود، وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. قلمرو مکانی تحقیق را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد و قلمرو زمانی تحقیق، شامل یک دوره‌ی زمانی ۷ ساله، بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و با تعدیل این جامعه با استفاده از یک سری محدودیت‌ها که در ادامه ذکر شده‌اند، نمونه آماری مشخص می‌گردد.

(۱) به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ به طور متمادی در بورس اوراق بهادار تهران حاضر باشند.

(۲) به منظور افزایش توان هم‌سنجی و هم‌سان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید با هم برابر و منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

(۳) تمام داده‌های مورد نیاز آنها در طی سال‌های تحقیق در دسترس باشد.

(۴) شرکت‌های مورد بررسی جزو بانک‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.

(۵) در سال‌های مورد نظر تغییر دوره مالی نداشته باشند.

نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شود.

با اعمال شرایط فوق تعداد ۱۲۴ شرکت (معادل ۸۶۸ سال- شرکت) به منظور برآورد الگوها و آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند.

۶- روش پژوهش

مدل فرضیه

$$DACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 (FIN_DISTRESS)_{it} + \beta_2 FCF_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

اساس مدل رگرسیون این پژوهش حسابداری تعهدی اختیاری را به عنوان متغیر وابسته قرار داده است. نسبت بدهی، جریان‌های نقد آزاد و نسبت سودآوری، متغیرهای مستقل هستند. همچنین نسبت نقدینگی و اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی دارایی‌ها) به عنوان متغیرهای کنترلی در این مدل لحاظ شده‌اند.

الف) متغیر وابسته

DACC (اقدام تعهدی اختیاری)

بر مبنای مطالعات برخی از پژوهشگران مدل تعدیل‌شده‌ی جونز قدرتمندترین مدل برای توصیف و پیش‌بینی مدیریت سود را فراهم می‌آورد. (اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰)

$$-DEP_{i,t} + \Delta STD_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} - \Delta CL_{i,t} \Delta CA_{i,t} = TA_{i,t} \quad (2)$$

که در آن:

$TA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i بین t و $t-1$
 $\Delta CA_{i,t}$: تغییر در بدهی های جاری شرکت i بین t و $t-1$
 $\Delta CL_{i,t}$: تغییر در بدهی های جاری شرکت i بین t و $t-1$
 $\Delta CASH_{i,t}$: تغییر در وجه نقد شرکت i بین t و $t-1$
 $\Delta STD_{i,t}$: تغییر در حصة جاری بدهی های بلندمدت شرکت i بین t و $t-1$
 $DEP_{i,t}$: هزینه استهلاک شرکت i در سال t

پس از محاسبه ی کل ارقام تعهدی، پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به منظور تعیین ارقام تعهدی غیر اختیاری، از طریق رابطه ۳ برآورد می شود:

$$TA_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2[(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})/A_{i,t-1}] + \alpha_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

که در آن:

$TA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i بین t و $t-1$
 $\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و $t-1$
 $\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب های دریافتی شرکت i بین سال t و $t-1$
 $PPE_{i,t}$: اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص شرکت i در سال t
 $A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی های شرکت i در سال $t-1$
 $\varepsilon_{i,t}$: اثرات نامشخص عوامل تصادفی
 $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$: پارامترهای برآورد شده ی شرکت i

پس از محاسبه ی پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ از طریق روش حداقل مربعات (OLS)، طبق رابطه ۴، ارقام تعهدی اختیاری بدین شرح تعیین می شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2[(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})/A_{i,t-1}] + \alpha_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

که در آن:

$NDA_{i,t}$: ارقام تعهدی غیر اختیاری شرکت i در سال t

$$DA_{i,t} = (TA_{i,t}/A_{i,t-1}) - NDA_{i,t} \quad (5)$$

(ب) متغیرهای مستقل

(۱) FIN_DISTRESS (درماندگی مالی):

در این پژوهش برای شناسایی شرکت‌های درمانده مالی از مدل Z' آلتمن (۱۹۸۳) استفاده شده است. این مدل به صورت رابطه ۶ می‌باشد:

$$Z' = 0.717 X_1 + 0.847 X_2 + 3.107 X_3 + 0.42 X_4 + 0.998 X_5 \quad (۶)$$

که در آن:

Z' = شاخص کل

X_1 = نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

X_2 = نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها

X_3 = نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

X_4 = نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها

X_5 = نسبت فروش به کل دارایی‌ها

در این مدل هرچه Z' پایین‌تر باشد، درجه درماندگی مالی شرکت بیشتر است. به طوری که شرکت‌های با امتیاز Z' بالاتر از $2/9$ جزو شرکت‌های سالم و با امتیاز کمتر از $1/23$ جزو شرکت‌های ورشکسته محسوب می‌شوند و Z' در محدوده $2/9$ و $1/23$ به عنوان منطقه تردید تلقی شده و ناحیه مزبور باید با احتیاط تفسیر شود (آلتمن، ۱۹۸۳).

(۲) FCF: جریان نقد آزاد (معیار اندازه‌گیری رفتار فرصت‌طلبانه)

مطالعات گذشته روش یکسانی را برای محاسبه جریان نقد آزاد بکار نبرده‌اند، در واقع تاکنون تعریف واحدی از جریان نقد آزاد صورت نگرفته است. مدل‌های جنسن (۱۹۸۶)، لن و پلسن (۱۹۸۹)، کاپلند (۱۹۹۱) از مهم‌ترین مدل‌هایی هستند که در پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جنسن (۱۹۸۶) نخستین کسی بود که تئوری جریان نقد آزاد را تبیین و در آن تعریفی از جریان نقد آزاد ارائه نمود. محاسبه جریان‌های نقد آزاد بر اساس مدل جنسن بسیار مشکل می‌باشد زیرا نمی‌توان به صورت سریع تمام پروژه‌های با ارزش فعلی خالص مثبت مورد انتظار واحد تجاری را شناسایی نمود. علاوه بر این معمولاً اطلاعات در خصوص تعیین نرخ هزینه سرمایه قابل اتکا دردسترس نیست. از این رو سعی شده است تا از مدل‌های دیگری که به نوعی مدل‌های جایگزین مدل جنسن هستند، برای محاسبه جریان‌های نقد آزاد واحد تجاری استفاده گردد.

در این پژوهش همانند رحیمیان و همکاران (۱۳۹۲) از مدل لن و پلسن (۱۹۸۸) برای تعیین جریان‌های نقد آزاد واحد تجاری استفاده می‌شود. بر اساس مدل مذکور، جریان‌های نقدی آزاد از طریق فرمول ۷ محاسبه می‌گردد:

$$A_{i,t-1} - \text{CSDIV}_{i,t} / -\text{PSDIV}_{i,t} - \text{INTEXP}_{i,t} - \text{TAX}_{i,t} (\text{INC}_{i,t} = \text{FCF}_{i,t}) \quad (7)$$

که در آن:

$\text{FCF}_{i,t}$: جریان‌های نقد آزاد شرکت i در سال t

$\text{INC}_{i,t}$: سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در سال t

$\text{TAX}_{i,t}$: کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t

$\text{INTEXP}_{i,t}$: هزینه‌ی بهره‌ی پرداختی شرکت i در سال t

$\text{PSDIV}_{i,t}$: سود سهامداران ممتاز پرداختی شرکت i در سال t

$\text{CSDIV}_{i,t}$: سود سهامداران عادی پرداختی شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t

لازم به توضیح است که در این مدل به منظور تعدیل اثر عوامل مختلف تا قبل از سال جریان‌های نقد آزاد به مجموع ارزش دفتری کل دارایی‌های واحد تجاری در ابتدای دوره تقسیم می‌گردد.

ROE(۳): نسبت سودآوری (معیار اندازه‌گیری رفتار فرصت طلبانه) که از تقسیم سود خالص به ارزش دفتری مجموع حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید.

LEV(۴): نسبت بدهی (معیار اندازه‌گیری مکانیزم نظارتی) که از تقسیم ارزش دفتری مجموع بدهی‌ها بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها بدست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

SIZE: لگاریتم طبیعی دارایی‌ها (لحاظ کردن تأثیر اندازه شرکت)

LIQ (نسبت نقدینگی): حاصل جمع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت تقسیم بر مجموع دارایی‌ها

۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

جهت شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. در جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه آورده شده است:

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	DAC	FCF	LEV	LIQ	ROE	SIZE	FIN_DISTRESS
میانگین	-۰/۰۴۳	۰/۰۸۵	۰/۶۳۱	۰/۰۶۰	۰/۲۷۲	۲۷/۶۱۰	۱/۱۰۵
میانه	-۰/۰۲۰	۰/۰۷۰	۰/۶۴۰	۰/۰۴۰	۰/۲۸۰	۲۷/۴۵۵	۱/۰۶۰
ماکزیمم	۲/۰۳۰	۰/۶۴۰	۱/۵۷۰	۰/۴۹۰	۰/۶۲۷	۳۲/۹۲۰	۵/۱۱۰
مینیمم	-۲/۴۴۰	-۰/۱۷۰	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۵	۲۳/۸۵۰	-۰/۷۶۰
انحراف معیار	۰/۳۳۷	۰/۱۲۲	۰/۲۰۱	۰/۰۷۱	۰/۱۸۹	۱/۳۸۵	۰/۶۱۴
چولگی	-۱/۳۲۱	۰/۱۸۹۷	۰/۳۱۴	۲/۷۳۳	-۰/۰۰۳	۰/۸۷۸	۱/۳۴۷
کشیدگی	۱۳/۰۴۷	۴/۵۱۷	۳/۸۸۱	۱۲/۳۸۹	۲/۴۹۵	۴/۷۶۵	۸/۵۳۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷-۱- تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی

پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده‌ها در تخمین، تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌های اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا این که می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام (pooling) کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F استفاده می‌شود. بر اساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود. جدول ۲ نتایج آزمون چاو (آماره F) مربوط به فرضیه یاد شده را در مورد مدل تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون چاو

شماره مدل	متغیر وابسته در مدل	آماره F	سطح معناداری	نتیجه (مدل مناسب)
۱	اقدام تعهدی اختیاری	۱/۲۲۲	۰/۰۶۳۵	مدل داده‌های تلفیقی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانگونه که در جدول ۲ دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، برای مدل‌های فرض صفر مبنی بر برابری همه اثرات خاص شرکت‌ها رد نشده است و بنابراین باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد.

۲-۷- نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم با توجه به جدول ۳ به شرح رابطه ۸ تحلیل می‌شود:

$$DACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 (FIN_DISTRESS)_{it} + \beta_2 FCF_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \varepsilon_{it} \quad (8)$$

جدول ۳- نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق

متغیر	ضریب	مقدار برآورد شده	انحراف معیار	آماره t	p-value
C	-	-۰/۱۶۵	۰/۲۳۲	-۰/۷۱۰	۰/۴۷۷
FIN_DISTRESS	β_1	۰/۰۸۰	۰/۰۱۹	۴/۱۳۰	۰/۰۰۰
FCF	β_2	۰/۰۴۶	۰/۰۱۸	۲/۴۴۹	۰/۰۳۲
ROE	β_3	-۰/۰۲۴	۰/۰۱۲	-۱/۹۸۵	۰/۰۵۱
LEV	β_4	-۰/۱۲۳	۰/۰۶۰	-۲/۰۴۶	۰/۰۴۱
SIZE	β_5	۰/۰۲۹	۰/۰۸۳	۰/۳۵۳	۰/۷۲۴
LIQ	β_6	۰/۳۹۴	۰/۱۷۲	۲/۲۸۱	۰/۰۲۲
Durbin-Watson=۲/۰۳۶		F=۷/۵۰۸ p-value=۰/۰۰۰		R ² =۰/۷۲	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در مدل برازش شده مقدار R² برابر با ۰/۷۲ می‌باشد که بیان‌کننده این موضوع است که ۰/۷۲ تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل مدل توضیح می‌دهند. مقدار آماره دوربین و واتسون در این مدل برابر ۲/۰۳۶ است. در نتیجه فرض صفر مبنی بر وجود همبستگی بین جزءهای اخلاص رد می‌شود (همبستگی بین جزءهای اخلاص وجود ندارد) و می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و کنترلی همگرایی وجود دارد.

تحلیل فرضیه اول

با توجه به مثبت بودن ضریب β_2 و سطح معناداری آماره t مربوط به آن می‌توان اینگونه بیان نمود که بین جریان های نقد آزاد و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه در راستای یافته های باکیت و اسکندر (۲۰۰۹) است. این محققان بیان نمودند که مازاد وجوه نقد آزاد، ممکن است انگیزه‌ای در مدیران به منظور اعمال مدیریت فزاینده سود و علامت‌دهی انعطاف-پذیری مالی، ایجاد نماید.

همچنین نتیجه‌ای که از منفی بودن ضریب β_3 و سطح معناداری آماره t مربوط به آن می‌توان گرفت بدین صورت است که رابطه منفی و معناداری بین نسبت سودآوری و مدیریت سود وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های وایت (۱۹۷۰) مبنی بر این که مدیران شرکت‌هایی که با کاهش در سودآوری خود مواجه هستند، دارای انگیزه‌ای برای هموارسازی سود هستند مطابقت دارد. در مجموع فرضیه اول تحقیق دال بر وجود رابطه معنادار بین رفتارهای فرصت‌طلبانه (جریان‌های نقدی آزاد و سودآوری) و مدیریت سود تأیید می‌شود.

تحلیل فرضیه دوم

ضریب β_4 منفی است و با توجه به سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر مستقل نسبت بدهی، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵٪، نسبت بدهی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد؛ بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

بدهی، ممکن است از طریق مکانیزم نظارتی، مدیریت سود را محدود نماید. داشتن بدهی، مدیران را در بازپرداخت آن به منظور جلوگیری از تخطی از مفاد قرارداد بدهی و همچنین، تعقیب شدن قانونی به وسیله قرض‌دهندگان، نظام‌مند می‌نماید (استالز، ۱۹۹۰). به صورت مشابه، تحقیقی که توسط بالسام و همکاران^{۴۶} (۲۰۰۲) و سیرگار و اوتاما^{۴۷} (۲۰۰۸)، انجام گردید نشان داد که قرض‌دهندگان، دسترسی بیش‌تری به اطلاعات مربوط و به موقع دارند که این امر آن‌ها را قادر به شناسایی مدیریت سود انجام شده به وسیله مدیرانی که پایبند اخلاق نیستند، می‌نماید.

تحلیل فرضیه سوم

با توجه به این که ضریب β_1 مثبت است و با توجه به سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر مستقل نسبت بدهی، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵٪، فشار مالی (درماندگی مالی) تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد؛ بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود.

برخلاف پژوهش‌های پیشین (از جمله ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۲) که به وقوع یا عدم وقوع مدیریت سود در سال‌های بعد از درماندگی مالی پرداختند، در این پژوهش رابطه مدیریت سود و درماندگی مالی در یک دوره مالی بررسی شد. نتایج حاکی از وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین این دو پدیده بود. این نتیجه بطور ضمنی نشان‌دهنده آن است که مدیران با آگاهی از وضعیت شرکت و اطلاعات محرمانه‌ای که دارند، سود را مدیریت نموده تا از پیامدها و عواقب درماندگی مالی که از جمله می‌توان به افزایش هزینه سرمایه شرکت، آسیب به شهرت مدیران، قطع پاداش و یا اخراج آنها بینجامد، در امان باشند.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

دستکاری در سود، ارائه اطلاعات معتبر جهت اخذ تصمیمات اقتصادی که همانا فلسفه وجودی صورت‌های مالی است را مخدوش می‌کند. تحریف‌ها و رسوایی‌های مالی و نتایج اسفبار آنها و نیز عواقبی مانند ورشکستگی، زیان‌های بعضاً جبران‌ناپذیر برای عموم و سلب اعتماد جامعه از صحت رویه‌های حسابداری، توجه هر چه بیشتر بر موضوع مدیریت سود را طلب می‌کند. این نگرانی‌ها، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را برای توسعه و ایجاد قوانین و مقررات برای اطمینان از صحت و قابلیت اتکا اطلاعات گزارش شده به منظور حفاظت از منافع سهامداران و حفظ اعتماد جامعه نسبت به سیستم اطلاعاتی حسابداری تشویق می‌کند. دچار شدن شرکت‌ها به درماندگی مالی و داشتن نسبت سودآوری پایین در سال‌های قبل و همچنین داشتن وجوه نقد آزاد، زمینه را برای دستکاری رویه‌های حسابداری به منظور رسیدن به اهداف گزارشگری سود را فراهم می‌آورد. به طوری که در صورت نبود مکانیزم نظارتی کارا و مؤثر، دستکاری اطلاعات افزایش یافته و اطلاعات ارائه شده از کیفیت قابل قبول برخوردار نخواهند بود. لذا به منظور بررسی این احتمالات، در این تحقیق با توجه به اطلاعات به دست آمده از ۱۲۴ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۸، به طور تجربی رابطه بین رفتارهای فرصت‌طلبانه (جریان نقدی آزاد و نسبت سودآوری)، مکانیزم نظارت (نسبت اهرمی)، رفتارهای تحت فشار (درماندگی مالی) و مدیریت سود بررسی شد. جهت آزمون این روابط سه فرضیه تدوین شده است. در فرضیه اول بیان شده است که ارتباط معناداری بین رفتارهای فرصت‌طلبانه و مدیریت سود، وجود دارد. در این تحقیق شاخص‌های اندازه‌گیری رفتارهای فرصت‌طلبانه، جریان نقد آزاد و نسبت سودآوری می‌باشند. فرضیه اول به دو فرضیه فرعی تبدیل شده است. به اینصورت که در فرضیه فرعی اول بیان شده است که بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، در صورتی که در یک شرکت، هر چقدر وجوه نقد آزاد بیشتری وجود داشته باشد، مدیریت

شرکت به منظور کارا جلوه دادن نتیجه بکارگیری وجوه، سعی خواهد کرد نتایج عملکرد را در جهت مثبت جلوه دادن نتایج بکارگیری وجوه آزاد، دستکاری نماید و رویه‌های افزایشی درآمد را انتخاب کند؛ که نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق، آیینی و همکاران (۲۰۰۹) و رینا و همکاران (۲۰۰۹) همراستا است.

در فرضیه فرعی دوم نیز بیان شده است که بین نسبت سودآوری و مدیریت سود ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر زمانی که مدیران در گذشته نسبت سودآوری پایینی را تجربه کرده باشند و عملکرد آنها منفی باشد به احتمال زیاد به دنبال رویه‌های افزایشی درآمد خواهند بود تا منافع شخصی خود را از طریق خوب جلوه دادن عملکرد، تأمین نمایند. نتایج این فرضیه با تحقیق خدادادی و جان جانی (۱۳۹۰)، همراستا می‌باشد.

فرضیه دوم به اینصورت تبیین شده است بین اهرم مالی و مدیریت سود رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این مطالعه حکایت از این دارد که بین اهرم مالی و مدیریت سود رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. به این مفهوم که با افزایش بدهی و تعداد اعتباردهندگان، نظارت اعتباردهندگان بر عملکرد مدیریت به منظور بررسی میزان وصول مطالباتشان بیشتر شده و در نتیجه توانایی مدیریت در مدیریت سود کمتر می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق رینا و همکاران (۲۰۰۹) و ناکاشیما و زلیارت (۲۰۱۵)، همراستا می‌باشد. سرانجام فرضیه سوم که بیان کرده بود بین درماندگی مالی و مدیریت سود رابطه معنادار وجود دارد نیز تأیید شد. به عبارتی شرکت‌های درمانده مالی که دارای عملکردی منفی در گذشته بوده اند به منظور جلوگیری از دادن اخبار بد به سرمایه‌گذاران و جلوگیری از سقوط قیمت، رویه‌های مدیریت سود افزایشی را بکار می‌گیرند و درگیر راهکارهای افزایشی سود شده تا از بحران‌ها و خطرات بالقوه ناشی از درماندگی مالی در امان باشند. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق اسمیت و همکاران (۲۰۰۱)، فرانچ و کوچیتال (۲۰۱۳)، گارسیالارا و همکاران (۲۰۰۹)، همراستا می‌باشد.

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح کرد:

- پیشنهاد به قانون‌گذاران در تدوین قوانین سخت‌گیرانه‌ای که به گسترش اعتماد عمومی نسبت به قابلیت اتکای گزارشگری مالی
- نظارت بر الزام بکارگیری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی
- تدوین الزامات گزارشگری برای شرکت‌های دچار درماندگی مالی
- ایجاد مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری کیفیت شرکت‌های درمانده مالی

فهرست منابع

- (۱) ابراهیمی کردلر، علی و الهام حسنی آذربایانی، (۱۳۸۵)، "بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی شماره ۴۵، صص ۲۳-۳.
- (۲) بنی مهد، بهمن و عبدالرضا عرب عامری، (۱۳۹۱) "رابطه میان شاخص مدیریت سود و بدهی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۵، صص ۲۳-۴۰.
- (۳) خدادادی، ولی و رضا جان جانی، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم شماره اول، صص ۷۷-۹۶.
- (۴) راعی، رضا و سعید فلاح پور، (۱۳۸۸)، "کاربرد ماشین بردار پشتیبان در پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها با استفاده از نسبت‌های مالی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۴)۱۵، صص ۱۷-۳۴.
- (۵) ریاحی بلکویی، احمد، (۲۰۰۰)، "تئوری‌های حسابداری"، علی پارسائیان، تهران: فرهنگ و مدیریت.
- (۶) سعیدی، علی و آرزو آقایی، (۱۳۸۷)، "پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های بیز"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۵۶)۱۶، صص ۷۸-۵۹.
- (۷) حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، "حاکمیت شرکتی در ایران"، مجله حسابرس، ۳۲، صص ۳۹-۳۲.
- (۸) فرقاندوست حقیقی، کامبیز، سیدعباس هاشمی و امین فروغی دهکردی، (۱۳۹۳)، "مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۶۸-۴۷.
- (۹) قربانی، بهزاد، سیدجلال‌الدین حسینی غنچه و زهرا محمدیلر، (۱۳۹۲)، "تأثیر افشای اطلاعات استراتژیک، غیرمالی و مالی بر مدیریت سود"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۵، صص ۲۳-۴۰.
- (۱۰) مشایخی، بیتا و مریم صفری، (۱۳۸۵)، "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بادر تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۴۴، صص ۳۵-۵۳.

- (۱) مشایخی، بیتا و امیرحسین حسین پور، (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران"، مطالعات تجربی حسابداری مالی سال ۱۲ شماره ۴۹، صص ۲۹-۵۲.
- (۱۲) ملا نظری، م؛ و سعید کریمی زند، (۱۳۸۶)، "بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۷.
- (۱۳) نوروش، ایرج و سیدعلی حسینی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۵، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- (۱۴) نیکومرام، هاشم و سید امین هادیان، (۱۳۹۲)، "تبیین جایگاه بدهی و تنوع‌سازی شرکتی در مدیریت سود"، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱-۲۸.
- (۱۵) ولی پور هاشم، طالب نیا قدرت اله و سیدعلی جوانمرد، (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت‌های دارای بحران مالی"، مجله دانش حسابداری، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۷۵-۱۰۳.
- 16) Abdul Rahman, R. Wan Abdullah, W.R. (2005), "The New Issue Puzzle in Malaysia: Performance and Earnings Management", National Accounting Research Journal, 3, PP. 91-110.
- 17) Andreou, P.C, Antoniou, C. Horton, J, Louca, C. (2013), "Corporate Governance and Firm-Specific Stock Price Crashes", SSRN Working paper.
- 18) Aini, A., Takiah M.I., Pourjalali, H and Teruya, J. (2006), "Earnings Management in Malaysia: A Study on Effects of Accounting Policy", Malaysian Accounting Review, 5(1), PP. 185-209.
- 19) Andrade, G. Kaplan, S.N. (1998), "How Costly is Financial (not Economic) Distress? Evidence from Highly Leveraged Transactions that Became Distressed", Journal of Finance, 53, PP. 1443-1493.
- 20) Ashari, N., Koh, H. C., Tan, S. L. Wong, W.H. (1994), "Factors Affecting Income Smoothing Among Listed Companies in Singapore", Accounting and Business Research, PP. 291-301.
- 21) Ball, R. (2001), "Infrastructure Requirements for an Economically Efficient System of Public Financial Reporting and Disclosure", Brookings- Wharton Papers on Financial Services, PP. 127-169.
- 22) Bamber, L. S., Jiang, J., & Wang, I. Y. (2010), "What's my Style? The Influence of top Managers on Voluntary Corporate Financial Disclosure" The Accounting Review, 85(4), PP. 1131-1162.
- 23) Bilimoria, Diana. (1997), "Perspectives on Corporate Control: Implications for CEO Compensation", Human Relations. 50 (7). The Tavistock Institute, Ohio.

- 24) Bukit, R.B. Mohd Iskandar, T. (2009), "Surplus Free Cash Flow", Earnings Management and Audit Committee, Accounting Review
- 25) Chung, R, Firth, M. And Kim, J.B. (2005), "Earnings Management, Surplus Free Cash Flow, and External Monitoring", Journal of Business Research, 58, PP. 766-776.
- 26) Dechow, P. M. Skinner, D. J. (2000), "Earnings Management: Reconciling the Views of Accounting Academics, Practitioners, and Regulators", Accounting Horizons, 14, PP. 235-250.
- 27) Dennis, C. M. Michel. (1996), "Decisions, Decisions", CA Magazine, 129 (7), PP. 38-42.
- 28) Emita W Astami, Rusmin Rusmin, Bambang Hartadi John Evans, (2017), "The Role of Audit Quality and Culture Influence on Earnings Management in Companies with Excessive Free Cash Flow: Evidence from the Asia-Pacific Region", International Journal of Accounting & Information Management, Vol. 25, Iss 1.
- 29) Garcia Lara, J, M, Osama<Garcia> and Neophytou, E (2009), "Earning Quality in Expost Failed Firms", Accounting and Business Research 39(2), PP. 119-138
- 30) Gilson, S. (1989), "Management Turnover and Financial Distress", Journal of Financial Economics, 25(2), PP. 241-62.
- 31) Habib, A., Bhuiyan, B.U. Islam, A. (2013), "Financial Distress, Earnings Management and Market Pricing of Accruals during the Global Financial Crisis", Managerial Finance, 39 (2), PP. 155-180.
- 32) Jensen, Michael C., (1986), "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers", American Economic Review, 76(2), PP. 323-329
- 33) Healy, P. M. Wahlen, J. M. (1999), "A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting", Accounting Horizons, 13, PP. 365-383.
- 34) Jaggi, B, and Lee (2011), "Earnings Management Response to Debt Covenant Violation and Debt Restructuring", Journal of Accounting Auditing and Finance, 17, PP. 295-324
- 35) Jensen. M.C. (1986), "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers", American Economic Review, 76, PP. 323-329.
- 36) Kothari, S.P, Shu, S, Wysocki, P.D, (2009b), "Do Managers With hold Bad News?", Journal of Accounting Research, 47, PP. 241- 276.
- 37) Leng, C.A. (2007), "The Impact of Internal and External Monitoring Measures on Firm's Dividend Payout: Evidence From Selected Malaysian Public Listed Companies", International Journal of Business and Management, 2(5), PP. 31-45.
- 38) Liberty, S. Zimmerman, J. (1986), "Labor Union Contract Negotiations and Accounting Choice", The Accounting Review, 61(4), PP. 692-712.
- 39) Nakashima. M., ziebart. D., (2015), "Did Japanese- Sox Have an Impact on Earnings Management and Earnings Quality?", Managerial Auditing Journal, Vol 30, PP. 482-510.
- 40) Nekhili, M., I. Fakhfakh, et al. (201۶), "Free Cash Flow and Earnings Management: The Moderating Role of Governance and Ownership" Tawhid and Lakhali, Faten,

- Free Cash Flow and Earnings Management: The Moderating Role of Governance and Ownership (9, 3126).
- 41) Nibler, M. (1995), "Bank Control and Corporate Performance in Germany: The Evidence", Working Paper, No. 48, St. John's College, Cambridge, June.
 - 42) Opler, T., Titman, S. (1994), "Financial Distress and Corporate Performance", The Journal of Finance, 49(3), PP. 1015-1040.
 - 43) Ronen Joshua and Yaari Varda Lewinstei (2008), "Earnings Management: Emerging Insights in Theory, Practice, and Research", Springer Science+Business Media, LLC
 - 44) Rosner, R.L. (2003), "Earnings Manipulation in Failing Firms", Contemporary Accounting Research, 20, PP. 361-408.
 - 45) Rina, b., Takiah, m, (2009), "Surplus Free Cash Flow, Earning Management and Audit Committee", Journal of Economics and Management 3(1), PP. 204-223.
 - 46) Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F, (2012), "*The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX)*", Journal of Modern Accounting and Auditing, Vol. 8, No. 9, PP. 1291-1300.
 - 47) Schipper, K, (1989), "*Earning Management*", Accounting Horizons, PP. 91-102.
 - 48) Scott William (2009), "Financial Accounting Theory" Fifth Edition, Prentice Hall, chapter 11, PP. 402-428.
 - 49) Sylvia veronica. s. sidharta utama.a (2008), "Type of Earnings Management and the Effect of Ownership Structure, Firm Size, and Corporate - Governance Practices: Evidence form Indonesia", the International Journal of Accounting 43, PP. 1-27.
 - 50) Shing, Y.H. Yueh, H.L. (2002), "Monitoring Mechanism, Overvaluation, and Earnings Management",
 - 51) Shubita, M.F. J.M. Alsawalhah. (2012), "The Relationship between Capital Structure and Profitability", International Journal of Business and Social Science, 3(16), PP. 104-112.
 - 52) Siregar S.V. S. Utama. (2008), "Type of Earnings Management and the Effect of Ownership Structure, Firm Size, and Corporate-Governance Practices: Evidence From Indonesia", The International Journal of Accounting, 43, PP. 1-27
 - 53) Stulz, R. (1990), "Managerial Discretion and Optimal Financing Policies", Journal of Financial Economics, 26, PP. 3-27.
 - 54) Van de Poel, K. Vanstraelen, A. (2007), "Management Reporting on Internal Control and Earnings Quality: Insights from a "Low Cost" Internal Control Regime", Paper presented at the 2007 Conference of the European Accounting Association (Lisbon), PP. 25-27.
 - 55) Watts, R. Zimmerman, J. (1986), "Positive Accounting Theory", Prentice Hall Eaglewood Cliffs.
 - 56) White, G. (1970), "Discretionary Accounting Decisions and Income Normalization", Journal of Accounting Research, PP. 260-274.
 - 57) Zagers-Mamedoval, I. (2009), "The Effect of Leverage Increases on Real Earnings Management Master Thesis", Erasmus University, Netherlands

یادداشت‌ها

- ¹ Earning management
- ² Manipulation
- ³ Healy and Wahlen
- ⁴ Worldcom & Enron
- ⁵ Watts & Zimmerman, 1986
- ⁶ Liberty
- ⁷ Gilson
- ⁸ Habibet al
- ⁹ Rosner
- ¹⁰ Hep verth
- ¹¹ Gordon
- ¹² Michelson
- ¹³ Fern
- ¹⁴ Schipper
- ¹⁵ Scott
- ¹⁶ Ronen and Yaari
- ¹⁷ Jensen
- ¹⁸ Ross
- ¹⁹ Gul
- ²⁰ Bukit and Iskandar
- ²¹ Stulz
- ²² Rahman & Abdullah
- ²³ White
- ²⁴ Asshari
- ²⁵ Dennis & Michel
- ²⁶ Van de poel & Vanstraelen
- ²⁷ Andrade Kaplan
- ²⁸ Shubita and Alsawalhah
- ²⁹ Bilimoria
- ³⁰ Leng
- ³¹ Nibler
- ³² Chrinko & Elson
- ³³ Sweeney
- ³⁴ Dichev & Skinner
- ³⁵ Beatty & Weber
- ³⁶ Christie
- ³⁷ Zagers - mamedova
- ³⁸ Aman
- ³⁹ Balsam, Bartov & Marquardt
- ⁴⁰ Siregar & Utama
- ⁴¹ Karels & Plakash
- ⁴² John & John
- ⁴³ Asquith, Gertner & Scharfstein
- ⁴⁴ Opler & Titmam
- ⁴⁵ Jaggi & Lee
- ⁴⁶ Balsamet al
- ⁴⁷ Siregar & Utama

